

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

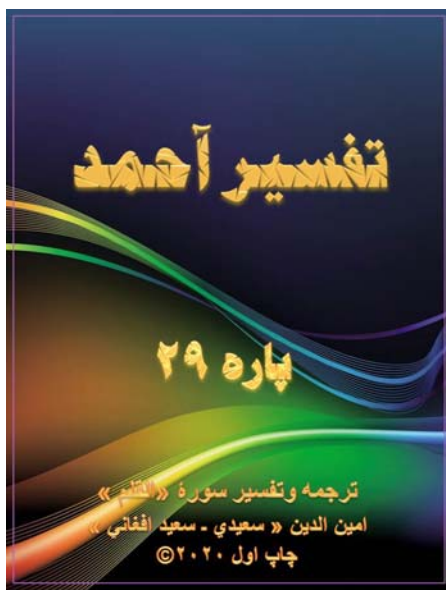
الحاج داکتر امین الدین سعیدی-سعید افغانی

۰۴ مارچ ۲۰۲۰

پاره ۲۹

ترجمه و تفسیر سورة «القلم» - ۲

بسم الله الرحمن الرحيم



به ادامه گذشته:

فَسْتَبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ (۵)

پس تو بزودی خواهی دید و آنان (منکران هم) نیز خواهند دید.

(۵)

«فَسْتَبْصِرُ...»: بزودی خواهی دید و متوجه خواهی شد.

بدین ترتیب پروردگار با عظمت پیامبر محبوبش محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم را در برابر دشمنان دلداری می‌دهد. و می‌فرماید: کفاری که با آگاهی و به طور قصدی دلایل روشن انبیاء را انکار می‌کنند، سزاوار لقب مجنون هستند. راه و روشی را که ای محمد! تو در پیش گرفته‌ای طریق درست تری است و روش نیکوتری داری و این کار در عاقبت امور و سرانجام کارها تحقق خواهد یافت.

«فستبصرون، بایکم المفتون» خطاب در آیت متبرکه، خطاب به مشرکان صدر است که «بزودی تو و مخالفانت خواهند دید که از شما کدام یک مفتون و دیوانه اند.»

«فستبصر و یبصرون» این جمله به خاطر این که حرف «فاء» در کلمه «فستبصر» آمده است، نتیجه این می‌شود: حال که معلوم شد تو دیوانه نبودی، بلکه دارای عظمت نبوت و متخلق به خلق عظیمی هستی، یقین داشته باشی که به زودی اثر دعوت روشن خواهد گشت و برای همه معلوم و آشکارا و به اثبات خواهد رسید که مفتون به جنون کیست، آیا توئی و یا تکذیب گران تو که تهمت جنون را به تو می‌بندند.

بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ (۶)

که کدام یک از شما دچار جنون اند. (محمد صلی الله علیه وسلم، یا شما کافران و مشرکان.) (۶)

« الْمَقْتُولُونَ » دیوانگی. مصدر است، مانند معقول به معنای عقل، مَجْلُود به معنای جَلَادَة (روح‌البیان).

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۷)

همان بدون شک پروردگارت بهتر می داند چه کسی از راه او گمراه شده است، و (نیز) او به هدایت یافتگان داناست. (۷)

در این آیت متبرکه با تمام وضاحت اذعان می دارد که هیچ رازی از پروردگار پوشیده نیست، الله تعالی به محتوای ضمائر داناست و به مکنونات سرایر (اسرار، رازها، رموز، پوشیده‌ها، نهان‌ها، باطن) آگاه است.

فَلَا تَطِعِ الْمُنْكَذِبِينَ (۸)

پس از تکذیب کنندگان (قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم) اطاعت مکن. (۸)
فهم این آیت مبارکه می رساند که نباید از تکذیب کنندگان اطاعت و پیروی صورت گیرد، بناءً پروردگار با عظمت به رسول مقبول خویش گفت: بر دعوت خود پایدار باش و بر دینت ثابت قدم باش؛ و از راه آنان متابعت و پیروی مکن، که اطاعت از آنان گمراهی و بدبختی است. زیرا تو بحق هستی و آنان بر باطل می‌باشند.
در کلمه « لَا تَطِعْ » هدف اساسی تشویق و ترغیب رسول الله صلی الله علیه وسلم و همه پیروان او است که راه الله تعالی را باشوق و شور ادامه دهند و با کفار و مشرکین از نرمش و سازش کار نگیرند.

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ (۹)

آنان (مشرکین) آرزو دارند که نرمی و سازش کنی تا آنان هم نرمی و سازش از خود نشان دهند. (۹)
یعنی این که کفار در تلاش سخت و شدید اند، و علاقه مندی خاصی دارند که تو در امور دینی با آنان مدهانه و مدارا کنی (ومخالفت، تعرض ومقابله به بت های شان به عمل نیاوری!) و به اصطلاح با افکار و اندیشه‌هایشان موافقت و سازگاری کنی تا آنها هم (به نفاق) با تو مدهانه و مدارا کنند.
«تُدْهِنُ»: سهل انگاری کنی. نرمش و سازش نشان بدهی ... هدف آنان این است که پیغمبر با نزدیک شدن به دین آنان، روی خوش بدیشان نشان دهد، یعنی نوعی از سهل انگاری، سازش و به اصطلاح مدهانه به میان آید.

خواننده محترم!

در این هیچ جای شکی نیست که یکی اصول اساسی و بنیادی دین مقدس اسلام «مدارا و نرمش» و «رأفت و رحمت» است و این اصل به هیچ صورت نمی‌تواند مطلق باشد بلکه به صورت حتمی حدود خاصی برای خود دارد، که رعایت خارج از حدود، مطمئناً آن را تبدیل به یک پدیده ضد ارزشی یعنی مدهانه و مصادعه و سازشکاری در حق می گرداند. همانگونه که ترک این اصل در ذات خویش نیز به ناهنجاری «خسونت» می انجامد. یافتن راه و روش معقول و دقت درین مورد بس مهم است.

مدارا (اعتدال، تسامح، سعه صدر، مماشات، میانه روی، سازش، ملایمت، رفق کردن، مهربانی، نرمی، بردباری، تحمل) در مسائل شخصی و نیز مسائل اجتماعی که در تقابل با حقوق دیگران نیست و نباشد و در کیفیت ترویج اسلام و ارزشهای دینی، توصیه شده، اما در مسائل اصولی دین و اجرای حدود و احکام دینی، نرمش و سازش به طور کامل و قطعی مذموم و ناروا است. سهل‌انگاری در اینگونه مسائل «ادهان و مُدَاهَنه» می باشد که همانا مورد نهی شدید و مطلق شرع اسلامی قرار گرفته. حالت زمانی غیر قابل قبول می شود که این سازش منجر به تضییع حقوق (اتلاف حقوق) دیگران [=حق الناس] شود که درین صورت و این روش از جمله «معاونت در ظلم» به شمار می رود.

قرآن عظیم الشان گذشت و مدارا در مواردی را که منجر به تضییع حقوق و حدود شرعی نگردد، هدایت فرموده طوری که می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ

شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین. (آیت ۱۵۹ سوره آل عمران) (به رحمت الهی، با آنان نرمخو و پُرمهر شدی. اگر تندخو و سختدل بودی بی‌شک از پیرامون تو پراکنده می‌شدند، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن و چون تصمیم نهائی را گرفتی بر خدا توکل کن که خداوند، توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد.)

در این آیت متبرکه دیده می‌شود که گذشت و نرمش و انعطاف در برابر کسانی که تخلفی از آنها سر زده و بعد از کردار خویش پشیمان شده‌اند اشاره واضح به عمل آمده است.

همچنان در آیت : (سوره توبه) آمده است : «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (بدون شک برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است اگر شما در رنج بیفتید، به سعادت شما حریص و نسبت به مؤمنان، دلسوز و مهربان است.)

ومی فرماید : « فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَى آثَارِهِمْ أَنْ لَمْ تُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا. » (آیت ۶ سوره کهف) (نزدیک است که اگر امت تو به این سخن (قرآن) ایمان نیاورند جان عزیزت را از شدت حزن و تأسف بر آنان هلاک سازی!) و می‌فرماید : « أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ » (آیت ۸ سوره فاطر)

پس آیا کسی که عمل بدش برای او آراسته شده و آن را نیکو می‌بیند، (مانند کسی است که هدایت یافته است.) پس بدون شك خداوند هر که را بخواهد (و سزاوار بداند) گمراه می‌کند و هر که را بخواهد (و شایسته بداند) هدایت می‌نماید، پس مگذار به خاطر حسرت بر آنان جانیت از دست برود، زیرا خداوند متعال به آن چه انجام می‌دهند آگاهی کامل دارد، ولی صفت شخصیت رسول الله صلی الله علیه وسلم همان است که قرآن عظیم الشان با زیبایی خاصی خویش می‌فرماید : «و ما ارسلناک الا رحمةً للعالمین» (انبیاء / ۱۰۷).

(و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم). و یامی فرماید : «محمّد رسول الله والذین امنوا معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم...» (سوره فتح / ۲۹) (محمد صلی الله علیه وسلم پیامبر خداست و کسانی که با اویند، با کافران، سختگیر و با یکدیگر مهربانند).

وباز می‌فرماید : «و ان احداً من المشرکین استجارک فأجره حتی یسمع کلام الله ثم ابلغه مأمنه ذلک بانهم قومٌ لا یعلمون» (آیت ۶ سوره توبه) (اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود، سپس او را به مکان امنش برسان، چرا که آنان نادانند).

همچنان در (آیات: ۲۱۴ و ۲۱۵ سوره شعراً) می‌فرماید : «وانذر عشرتک الاقربین و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین.» (خویشان نزدیک را هشدار ده و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده‌اند، بال خود را فرو گستر). و می‌فرماید : «خذ العفو و أمر بالعرف و أعرض عن المشرکین» (اعراف / ۱۹۹) (گذشت پیشه کن و به کار پسندیده، فرمان ده و از نادانان رخ برتاب).

در آیات فوق الذکر با تمام صراحت در یافتیم که رسول الله صلی الله علیه وسلم مأمور به نرمش و مدارا با مردم بوده‌اند.

وَلَا تُطِعْ کُلَّ خَلَافٍ مَهِينٍ (۱۰)

و تو هرگز اطاعت نکن از هر قسم خورنده فرومایه ای که دایم (به دروغ) قسم می‌خورند. (۱۰)

در این آیت خطاب به رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید : و تو هرگز (احدی از منافقان را که دایم (به دروغ) قسم می‌خورند، اطاعت و پیروی مکن).

«خَلَافٍ»: قسم خوردن زیاد، فرق نمی‌کند که بحق باشد و یا هم ناحق.

«مَهِينِ»: خوار، پست و حقیر.

در آیت متبرکه توضیح داده می شود که به قسم خوردن مخالفان نمی شود اعتبار کرد و هر چه بیشتر قسم می خورند به همان اندازه بی اعتبارتر است.

بناءً باید به توطئه و نقشه های دشمن؛ متوجه و هوشیار باشی، دشمن همه تلاش خویش را به راه انداخته اند تا با شما نوع ازسازش به عمل آرند، و درجمع عقب نشینی شما از اصول الهی از جمله خواست های اساسی دشمن است. نباید فراموش کرد که: سازش با دشمن، به منزله اطاعت از آنان ست و هدف از عدم اطاعت از دشمن، همان سازش نکردن است.

قرآن عظیم الشان در (آیت ۴۷ سوره سبا) می فرماید: «قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنَّ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (بگو: هر مزدی که از شما خواستم پس آن به نفع شماست، مزد من جز بر خدا نیست و او بر هر چیزی گواه است).

ابن إسحاق، ابوبکر محمد بن اسحاق بن یسار بن خیار مطلبی مدنی (۸۰ - ۱۵۱ ق/۶۹۹ - ۷۶۸ م)، محدث و سیرت نویس مشهور جهان اسلام در تفسیر این آیت مبارکه می نویسد: که اشراف قریش شخصی را نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم فرستاد و درخواست مذاکره را با وی به عمل آوردند.

آنان گفتند: تو چیزی بر قومت آورده ای که در میان عرب کسی برای قومش چنین چیزی را نیاورده است، تو پدران ما را دشنام داده ای، دین ما را ناروا دانسته ای، خدایان ما را ناسزا و بدگفتی، اگر با این کار در فکر جمع آوری (ثروت) و دارائی هستی آنقدر به تو می دهیم که (ثروت) و دارائی ات از همه بیشتر شود، اگر شرف می خواهی، ما تو را بر خود سیادت می دهیم؛ اگر ملک و پادشاهی می خواهی، چنین می کنیم، اگر جن بر تو مسلط شده، تو را معالجه می کنیم.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در جواب آنان گفت: برای هیچ یک از این چیزها دعوی نبوت نکرده ام، بلکه تنها فرستاده الله هستم که برای نصیحت (آمده ام)، اگر (بپذیرید)، یقیناً (نمائید) که نفعش از آن خود شما است و اگر نپذیرید، صبر خواهد کرد تا خداوند (متعال) میان (من) و (شما) حکم کند.

همچنان جمله زیبا رسول الله صلی الله علیه وسلم باید سرمشق همه ما قرار گیرد که در خطاب به کاکای خویش در مورد پیشنهاد سران قریش فرموده است: کاکای محترم اگر آفتاب را در دست راست من و مهتاب را در دست چپ من بگذارند، کار دعوت را تا غلبه آن دنبال خواهم کرد مگر آن که در این راه جان خویش را از دست دهم. (داستان این مبحث در سوره کافرون به تفصیل بیان شده است).

شان نزول:

۱۱۲۵- شان نزول آیات (۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳) ابن ابو حاتم از سدی روایت کرده است که آیه «وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ» در باره اخنس بن شریق نازل شده است.

۱۱۲۶- ک: ابن منذر از کلبی نیز مانند او روایت کرده است.

۱۱۲۷- ک: ابن ابو حاتم از مجاهد روایت کرده است این آیت در باره آسود بن عبد یغوث نازل (شده) است.

۱۱۲۸- ک: ابن جریر از ابن عباس روایت کرده است چون: «وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ هَمَّازٍ مَشَاءٍ بَنَمِيمٍ» از هر قسم خور حقیر اطاعت نکن، هر عیب جوی نمایی که با سخن چینی میان مردم رفت و آمد می کند نازل شده است، ما آن

سخن چین را نشناختیم، اما وقتی که «بَعْدَ ذَلِكَ رَنِيمُ» نازل شد، آن شخص را شناختیم چون مانند گوسفند دو تا پوستک دراز در زیر گلوی او آویزان بود.

(تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول تألیف علامه جلال الدین سیوطی)

الأخنس بن شریق الثقفی کیست:

اخنس بن شریق از جمله سران قریش بود که نزد ابوطالب رفت و با وساطت او، به پیامبر صلی الله علیه وسلم پیشنهادهایی دادند که اخنس در آنجا گفت: «ما و خدایان ما را رها کن، ما نیز تو و پروردگارت را رها می‌کنیم. همچنین زمانی که پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم از طائف باز می‌گشت؛ به دنبال شخص با نفوذی بود که در سایه حمایت او وارد مکه شود؛ ابتداء کسی را به دنبال اخنس فرستاد و این پیشنهاد را به او داد ولی اخنس با این عذر که همپیمان قریش است و یک همپیمان نمی‌تواند شخصی را در مقابل همپیمانانش در پناه بگیرد، از این امر سر باز زد، البته همین که پیامبر صلی الله علیه وسلم از او چنین درخواستی داشت، نشان می‌دهد که انصاف و مردانگی او بیش از دیگران بود و به همین جهت، در تاریخ، اذیت و آزار خاصی از جانب او نسبت به پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل نشده است.

هَمَزٌ مَشَاءٌ بَنِمِيمٍ (۱۱)

و آن کس که بسیار عیج‌جی و سخن‌چینی می‌کند. (۱۱)

«هَمَزٌ» از «همز» به معنای بسیار عیج‌جی و مرادف کلمه «عیاب» است و یا هم بسیار بدگو و بد زبان را می‌گویند. «مَشَاءٌ بَنِمِيمٍ» «تیزرونده، رفت و آمدکننده». بسیار سخن‌چین. یعنی کسی که سخن این را برای آن و کلام آن را برای این، به منظور فتنه، فساد و تباهی و اختلاف و جنگ اندازی می‌آورد و می‌برد و در نهایت بر قطع رابطه‌ها و تفریق میان مؤمنان بسیار حریص است. «بَنِمِيمٍ» «سخن‌چینی».

نمائی و سخن‌چینی:

سخن‌چینی یعنی این که انسان حرف‌های بعضی از مردم را به قصد ایجاد فتنه و فساد بین آن‌ها برای بعضی دیگر نقل کند؛ مانند این که نزد کسی برود و بگوید: فلانی به تو چنان و چنین گفت، تا بدین ترتیب بین مسلمین دشمنی ایجاد کند. سخن‌چینی و نمائی از گناهان کبیره است. در صحیحین در حدیثی که از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت شده آمده است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم از کنار دو قبر گذشت و فرمود: «أَمَّا إِنَّهُمَا لَيُعَذَّبَانِ وَمَا يُعَذَّبَانِ فِي كَبِيرٍ، أَمَّا أَحَدُهُمَا فَكَانَ يَمْشِي بِالنَّمِيمَةِ، وَأَمَّا الْآخَرُ فَكَانَ لَا يَسْتَنْزِعُ مِنَ الْبَوْلِ، قَالَ: فَدَعَا بِعَسِيبٍ رَطْبٍ فَشَقَّهُ بِأُثْنَيْنِ، ثُمَّ غَرَسَ عَلَى هَذَا وَاجِدًا وَعَلَى هَذَا وَاجِدًا» «این دو نفر عذاب داده می‌شوند اما نه به خاطر گناه بزرگی، اما یکی از اینها سخن‌چینی می‌کرده است و دیگری از ادرار خود پرهیز نمی‌کرد و خود را از آن پاک نمی‌کرد، راوی می‌گوید: آنگاه رسول الله صلی الله علیه وسلم شاخه‌تری از درخت خرما خواست و آن را دو قسمت کرد، و هر قسمت آن را روی یکی از آن دو قبر گذاشت. گفتند: چرا چنین کردی؟ فرمود: «لَعَلَّهُ أَنْ يُخَفَّفَ عَنْهُمَا مَا لَمْ يَنْبَسَا» امید است تا وقتی که این دو شاخه خشک نشده است، الله تعالی عذاب آنان را تخفیف دهد» (بخاری ۲۱۸ و مسلم ۲۹۲)

همچنان از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمود: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَتَّاتٌ»

«سخن‌چین وارد بهشت نمی‌شود» (بخاری ۶۰۵۶ و مسلم ۱۰۵) بنابر این مؤمن باید از سخن‌چینی پرهیز و دوری

نماید.
ادامه دارد